

برمز زدائی از دوتصویری که حکایت‌ها دارند



تقی روزبه

سخنان (نقل به مضمون) معاون سیاسی سپاه، سردار جوانی، مبنی بر این که اگر بتوانیم دو واقعه بسیار مهم تا پایان سال یعنی فضای دانشگاه‌ها پس از بازگشائی سال جدید و نیز انتصابات مجلس شورای اسلامی را مدیریت کرده و به شکل حماسی (!؟) برگزارکنیم خود را بیمه کرده ایم؛ نشان دهنده دو راهبرد رژیم و تصمیم گرفته شده در سطوح بالا برای هفت ماه باقی مانده از سال جاری است.

البته تا آنجا که به مردم و جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» مرتبط است، تنها ابزار مواجهه رژیم مشت آهنین است و شاهدیم که از هم اکنون هم که دوماه به سالگرد قتل ژینا و یکسالگی خیزش انقلابی مانده، به حالت آماده باش و قدرت‌نمایی در خیابان‌ها و شهرهای بزرگ برآمده است و برآن است که به اصطلاح آنتی را که باور دارد هنوز کاملا خاموش نشده اند و هر لحظه می‌توانند زبانه بکشند و به حریقی بزرگی تبدیل شود، کنترل کند. چنان که پیش از بازگشایی با تمام انرژی و توان خود مشغول پادگانی کردن دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی و سرکوب و تعلیق و تصفیه کردن دانشجویان دانشگاه‌ها و اساتید هست. اما در محوردوم یعنی انتخابات برای آنکه تنور را گرم کرده و به اصطلاح ادعای مشروعیت ناشی از اکثریت را به هر قیمتی دست و پا کند (چنانکه خامنه ای از ۹ ماه مانده به انتخابات گفته است انتخابات امسال بسیار مهم است و دشمن برنامه دارد) مشغول سرهم بندی کردن یک تاکتیک به اصطلاح نرم افزاری یعنی گفتگو و چراغ سبز زدن به برخی از سران جناح اصلاح طلب و اصول گرایان میانه رو است بلکه بتواند با عصای از معجزه افتاده و مشارکت نمایشی آن‌ها و به کارگیری انواع ترفندها و بردن این تشنه لبان در مرز هلاکت به سرچشمه و تشنه برگرداندنش، به اغواگری پرداخته و بخشی از جامعه به اصطلاح خاکستری را به پای صندوق انتصابات بکشانند. (البته احتمالا همراه با میزانی از تقلب در آراء). انتخاب جنتی ۹۷ ساله به دبیری شورای نگهبان که سه نفر باید او را جابجا کنند نشان می‌دهد که خامنه ای تا چه حد به امین سرسپرده و مطمئن خود برای کنترل انتخابات و اعمال نظارت استصوابی نیاز دارد. اخیرا احمدخاتمی خطیب نماز جمعه و نماینده مهم مجلس خبرگان به برخی کسانی که گویا شرکت خود در این بده

و بستان خطیر و آبرو بر باد ده را استعفاء رئیسی عنوان کرده بودند تاخته و آن‌ها را مورد استهزاء قرار داده است که البته خود حاکی از این دیدارها و چانه زنی‌های پشت پرده است. از سوی دیگر فعال شدن برخی کسانی مثل ظریف (که اخیرا امیرعبدالهیان در وزارت خارجه، با او حول برخی مسائل خارجی و چالش‌ها جلسه گذاشته است) و یا مصاحبه صالحی وزیر پیشین خارجه و رئیس سازمان انرژی هسته ای پیرامون ضرورت مذاکره سیاسی مستقیم با خود «کدخدا» و دولت آمریکا حول همه مسائل به جای دخیل بستن به وساطت همسایگانی که معلوم شده به دنبال منافع و سیاست های خود هستند، نیز به نوبه خود بیانگر آن است که این حضرات بار دیگر بوی کباب به مشام شان رسیده و با یک حبه انگور مست کرده و دوباره هوایی شده‌اند! بزعم آن‌ها حاکمیت زیر فشار سنگین نارضایتی و افکار عمومی داخلی و جهانی و نیز محاصره شدن در انباشت بحران‌ها و از جمله اخیرا بحران بزرگ در رویکرد استراتژیک نگاه به روسیه و چین (سیاست مورد حمایت شخص خامنه ای) قرارداد که با خنجر از پشت زدن روسیه (چین هم قبلا همین کار را صورت داده بود) موج خشم و ناامیدی و انتقادهای درونی و حواشی سیستم و سردرگمی در کارگزاران جدید و قدیم رژیم به راه انداخته است که ناشی از غفلت از به اصطلاح ایجاد توازن در مناسبات دیپلماتیک و سیاست خارجی با قدرت‌ها را گوشزد می کنند. از همین رو به زعم این حضرات تب کرده از یک مویز، حاکمیت و هسته سخت قدرت ناگزیر است تغییراتی در برخی سیاست‌های خود صورت بدهد. سیاست‌هایی که مدتی پیش محمدخاتمی آن‌ها را (مشخصا در مورد شیوه‌های تحمیل حجاب اجباری) عملیات "خودبراندازی" خوانده بود. اما این «تغییرات» هرچه که باشد به فرض واقعی بودنش در بهترین حالت، خروجی اش جزیک لبخند مصنوعی و زودگذر به آن‌ها و تشدید سرکوب گسترده کنونی و البته خانه نشین کردن دوباره این حضرات نیست. مصداق "از تو به یک اشارت از ما به سردویدن" را در مورد بیانیه علی لاریجانی کارگزار وفاداری که قبلا مورد بی مهری شورای نگهبان قرار گرفت، و دم تکان دادن وی به عنوان به اصطلاح یکی از مشاوران رهبری در مورد قطع روابط با سوئد به دلیل قران سوزی نیز شاهدیم. چنان‌که ضمن محکوم کردن شدید دولت سوئد، کاسه داغ تر از آش شده و به سهم خود با پاشیدن نفت به آن خواهان اقدامات و واکنش‌های دیپلماتیک دولت ایران علیه آن شده است. یعنی تشویق به مشارکت فعال در « سفارت بازی» از نوع مقتدا صدر عراقی. خامنه ای نیز با تاخیری قابل تامل حکم خود را صادر کرده و معلوم شد که رژیم برآن است که از قافله عقب نمانده و سوار این موج شده و بهره‌های خود را ببرد، به خصوص در ایام محرم که به درد بسیج پایگان مذهبی اشان هم می خورد. چنان‌که می دانیم فایزه هاشمی که اینک مشغول گذراندن زندان خود است با شم خویش و به فراست پیشاپیش این میل شیطانی دوباره بیدار شده در اصلاح طلبان را رصد کرده و نسبت به آن، یعنی هوس شرکت در انتخابات و تبدیل شدنشان به هیزم و آتش بیار رژیم هشدار داده بود. یکی از رسانه های سپاه نیز یقه کارگزاران و مرعشی را گرفته است که چرا در مورد فایزه هاشمی موضع نگرفته‌اند.

بهرحال به نمایش گذاشتن انزوای گسترده رژیم در شوی انتخاباتی اش، هدفی که حاکمیت بر آن است که اگر بتواند از آن به عنوان چماق سرکوب و نیز به اصطلاح بازسازی ولو بخشی از مشروعیت برباد رفته اش استفاده کند. بدیهی است که در هم شکستن این ترفند و تهاجم رژیم و منزوی ساختن کامل آن برای تقویت صفوف مقاومت جنبش و تعمیق دامنه دوقطبی جامعه و حاکمیت واجد اهمیت است. از همین رو هم در هم شکستن تهاجم و فشارهای رژیم در دانشگاهها و سرکوب دانشجویان که می دانیم چه نقش مهمی در خیزش ژینا داشتند و اجرای برنامه‌هایشان در این مورد و نیز خنثی سازی کامل نمایش انتصاباتی و ترفند به اصطلاح داغ کردن تنور آن به مدد وسوسه کسانی چون محمد خاتمی ها و حسن خمینی‌ها و علی لاریجانی ها جملگی می توانند و باید در هم شکسته شوند.

زنده باد خیزش انقلابی زن زندگی آزادی !

۲۳.۰۷.۲۰۲۳